معرفی

درباره کتاب «سال‌های بدون تو»

جزوه‌های قدیمی شمسی



حسین شرفخانلو
نویسنده

اوایلی که ازدواج کردیم یک روز با عیال رفتیم دانشگاه‌شان و از قضا رئیس دانشگاه که استاد همسرم بود و به او لطف داشت، ما را دید و به تعارف بردمان دفترش. چند کلامی حرف زدیم و دستش آمد عاشق روایت، نوشتن، خواندن و جمع‌کردن کتابم. (و بماند که جمع‌کردن و خواندن کتاب، لزوما منجر به رفع حجاب و دیدن باطن عالم نشده است برای کسی.) رفت و از اندرونی که با یک پنجره اُرسی از بیرونی دفتر جدایش کرده بود، یک دور تفسیر سه جلدی قرآن برایم آورد. رهاورد سفرش بود به گرجستان. نسخه‌ای منحصربه‌فرد که عالمی تُرک‌زبان حدود ۱۵۰ سال پیش در شهر تفلیس آن را به رشته تحریر درآورده و نسخه‌هایی از آن به‌جا مانده بودند و گفت: «قدیمی‌های ما جرأت داشتند و ما نداریم!» و حیرتم از نفهمیدن را که فهمید. این را اضافه کرد که «هر کسی که بلد است به هر نحوی بنویسد، باید بنویسد. راه که افتادی، بین راه یاد می‌گیری بهتر و درست‌تر نوشتن را. مهم آن قدم اول است و آن جرأت که قدم از قدم برداری و راه بیفتی...» کتاب «سال‌های بدون تو» بی‌شک آن قدم اول است که نویسنده‌اش برداشته است. شمسی جلفا، نویسنده جوان کتاب که شهرشان همسایه شهر من خوی است، از سال‌ها قبل می‌نوشته بی‌آن‌که بخواهد روزی را ببیند که جلسه رونمایی برای کتابش گرفته‌اند و او آن روز باید چادر چاقچور کند و بیاید برای شرکت در جشنی که به خاطر انتشار اولین کتابش برگزار شده است. او سال‌های بدون تو را وقتی دانش‌آموز بوده می‌نوشته و آن سال‌ها نه خبری از لپ‌تاپ بود و نه خبری از گوشی‌های لمسی با صفحه نمایش درشت که بشود با آنها نوشت. بماند که من هنوز و همچنان مخالف نوشتن با گوشی‌ام و نوشتن برای من آداب دارد و ادب اولش این است که با صفحه کلید متصل به کامپیوتر یا لپ‌تاپ باید نوشت! نسخه اولیه رمان عاشقانه‌ای که او نوشته و پر از شخصیت، فراز و فرود، دلهره و فراق و وصال است، سال‌ها گوشه کتابخانه‌اش خاک می‌خورده تا روزی که پدیده کرونا، بی‌دعوت و بدون جنگ و خونریزی تا وسط خانه همه‌مان آمد و زندگی‌های‌مان را چهارقفله کرد و سبک زندگی، مراوده و حشر و نشر مردم را تغییر داد، خلق خدا را از کار و زندگی انداخت و مردمان ایران و جهان، بدون شلیک حتی یک گلوله، خوف کردند و خانه‌نشین شدند. شاید اگر این بسط‌نشینی نبود، شمسی یاد جزوه‌های قدیمی‌اش نمی‌افتاد و سراغ‌شان نمی‌رفت، مرورشان نمی‌کرد از نو نمی‌نوشت‌شان و امروز سال‌های بدون تو متولد نمی‌شد.



رمانی عاشقانه در ۶۳۷ صفحه به قطع رقعی که انتشارات نامه مهر آن را در بهار ۱۴۰۱ منتشر کرده است.

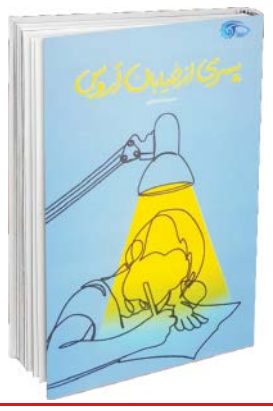
نگاهی به کتاب «پسری از خیابان اروس»

وقتی «مونا» وارد کار می‌شود!



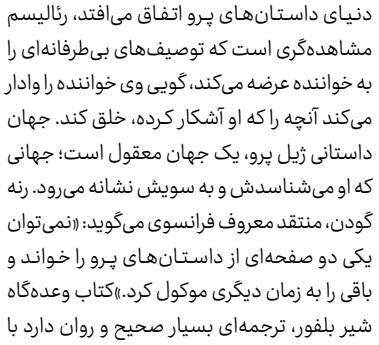
کتایون رجبی
نویسنده و ناشر

کتاب «پسری از خیابان اروس» مرا برد به دنیای نوجوانی، آن هم نوجوانی از نوع دهه شصتی‌اش که سادگی و ساده‌زیستی مرام بیشتر آدم‌ها بود و هنوز پیچیدگی به زندگی آدم‌ها این قدر وارد نشده بود. نثر کتاب هم از این نگاه تبعیت و ساده و روان از کلمات استفاده کرده است. کلمات در این کتاب مثل سر خوردن یک موج روی موج دیگر کنار ساحل هم شور دارند و صدا و هم حال خوشی را برای خواننده‌اش که در ساحل این دریا نشسته است فراهم می‌کنند. امیرحسین، شخصیت اصلی و پرحرف و پرشور را به قدری ساده معرفی کرده که گویی نوشتن نمی‌داند؛ در حالی که عاشق یادگیری نوشتن داستان است. برای آن‌که کتاب از روایت اول شخص درآید، مونا، دختر عمه امیرحسین وارد کار می‌شود. نامه‌نگاری بین این دو، کم‌کم زاویه نگاه‌های‌شان، تفاوت ساده‌زیستی یا رفاه‌زدگی‌شان، تفاوت جایگاه اجتماعی‌شان و البته انتخاب امیرحسین را در نهایت روشن می‌کند. گاهی به نظر می‌رسید نویسنده به‌عمد قصد کرده امیرحسین داستانش را خیلی ساده فرض کنیم، اما روایت صادقانه از زندگی او، خواننده را قانع می‌کرد او صادق است تا ساده. تمام عناصر یک داستان که می‌توانست به تعلیق کشیده شود تا خواننده را تا انتها به دنبال خود بکشاند در این کتاب به شکلی بسیار ساده که برای یک نوجوان جویای نام ونوشتن مطلوب است، دیده می‌شود. از پیگیری اخبار داداش احمد، دنبال کردن رد هواپیماها، رسیدن به جنگ، اخبارش و...



این که انتخاب واژگان و کلمات فراتر از سن نوجوانی نرفته، کمک کرده است خواننده، این تعلیق را در حد یک نوجوان دهه شصتی تصور کند و اتفاقا تمام روایت ماجرا را درست در چیدمانی که به همان زمان برمی‌گردد، ببیند.

از ماجرای پیگیری گم شدن داداش احمد گرفته، تا رادیوی ناودانی اهدایی و مرام گذاشتن رفیقش بابک از همراهی دو نوجوان در صف و گرفتن اقلام کوپنی از تحویل گرفتن همسایه‌های قدیمی‌شان در آبادان و ... نویسنده ناخودآگاه خواننده را به مقایسه اوضاع آن زمان با زمان معاصر می‌کند؛ چقدر از این رفتارها رنگ باخته‌اند. سادگی و روانی کتاب، سطح باورپذیری‌اش را بالاتر برده است. به گونه‌ای که خواننده دوست دارد بپرسد این امیرحسین که شاگرد امیرحسین فردی می‌شود و اتفاقا روان و بی‌دردسر مثل مهدی آذریزدی و هوشنگ مرادی کرمانی، کلی اطلاعات مستند از چند دهه قبل را با

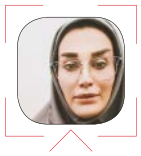


زبان داستانی به خواننده ارائه می‌دهد احیاناً خود آقای حمیدرضا داداشی نیست؟

آیین رونمایی کتاب «پسری از خیابان اروس» نوشته حمیدرضا داداشی که چندی پیش توسط نشر معارف وارد بازار نشر شده بود در خبرگزاری فارس برگزار شد. در این جلسه موضوعاتی چون تأثیر تجربه زیسته نویسنده بر اثر، مطابق نبودن برخی وقایع که در داستان توصیف شد با واقعیت‌های موجود، ضعف برخی ناشران در کتابسازی برای رده سنی کودکان و نوجوانان که عامل ضعف در جذب مخاطب است، این‌که نویسنده نباید ردپایی از خود در اثر باقی بگذارد و فراوانی اتفاقات و حوادث در داستان مورد بررسی قرار گرفت.

درباره کتاب «وعده‌گاه شیر بلفور»

جهان داستانی «ژیل پرو» معقول است



دکتر سعیده اسداللهی
منتقد و نویسنده

وی. اس. پریجت در تعریف داستان کوتاه می‌گوید: «چیزی که از گوشه چشم، در حالت گذر، یک نظر دیده می‌شود.» و اما واژه نظر همان است که جان می‌گیرد و لحظه‌ای را نورانی می‌کند. آنچه در داستان‌های کوتاه بسیار اهمیت دارد، هوشمندی و مهارت ادبی نویسنده برای بیان برش کوتاهی از زندگی است. حال، نویسنده اندیشمند می‌تواند شیوه روایت را به گونه‌ای انتخاب کند که در خدمت ایده اصلی داستان باشد و به‌راستی لذتی هنری را آزادانه به مخاطب منتقل کند. کتاب «وعده‌گاه شیر بلفور» مشتمل بر هفت داستان کوتاه به قلم ژیل پرو نویسنده و روزنامه‌نگار فرانسوی است. پرو نویسنده‌ای ایده‌مند است که تقریبا در تمامی آثارش می‌توان رد پایی از وقایع فراموش شده و حوادث تاریخی مربوط به جنگ جهانی دوم را با زبانی روشن و دقیق مشاهده کرد. شخصیت‌ها در داستان‌های این کتاب، رفتاری متناقض دارند. انسان‌هایی سرگشته که زیرلایه‌های پنهانی رفتاری‌شان در موقعیت‌هایی خاص بروز پیدا می‌کنند. ژیل پرو سال ۱۹۳۱ در پایتخت فرانسه به دنیا آمد و بعد از چندین سال کار وکالت در دادگستری به نویسندگی روی آورد. وی به دلیل گذران دوران سربازی‌اش در الجزایر و تجربه زیسته آن دوران، کتابی با عنوان چتربازها را منتشر کرد و برنده «جایزه امروز» شد. داستان «نامزد و مرگ» از این مجموعه، داستان زن و مرد جوانی است که در مواجهه‌ای چند ساعته، درونیات مشترکی را تجربه می‌کنند. داستان «بازگشت بیبندوم» مقابله این دو مرد، بعد از مدت‌هاست؛ شکنجه‌گری فاشیست با یک مبارز شکنجه شده.

باقی داستان‌های این مجموعه مبتنی است برآنچه در جنگ جهانی دوم و نهضت مقاومت فرانسه در زمان اشغال گذشته است و همه حقایق تاریخی مربوط به استقلال الجزایر و مبارزات استقلال‌طلبان ایرلند شمالی که با خلق شخصیت‌های خیالی توسط نویسنده به داستان‌های پر کششی تبدیل شده‌اند. آنچه در دنیای داستان‌های پرو اتفاق می‌افتد، رئالیسم مشاهده‌گری است که توصیف‌های بی‌طرفانه‌ای را به خواننده عرضه می‌کند، گویی وی خواننده را وادار می‌کند آنچه را که او آشکار کرده، خلق کند. جهان داستانی ژیل پرو، یک جهان معقول است؛ جهانی که او می‌شناسدش و به سویش نشانه می‌رود. رنه گودن، منتقد معروف فرانسوی می‌گوید: «نمی‌توان یکی دو صفحه‌ای از داستان‌های پرو را خواند و باقی را به زمان دیگری موکول کرد.» کتاب وعده‌گاه شیر بلفور، ترجمه‌ای بسیار صحیح و روان دارد با پاورقی‌های ارزشمندی از مترجم بزرگوار جناب آقای ابوالحسن نجفی که سال ۱۳۷۴ به همت نشر نیلوفر به چاپ رسیده است.



